تحلیل نظریه‌های مطرح پیرامون حجیت ظواهر قرآن در دانش اصول

سیدمصطفی ملیحی[1]
سید عبدالرحیم حسینی[2]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۵/۱۱ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۶/۱۶)

چکیده

مسئله حجیت ظواهر قرآن از جمله مسائل مشترک بین دانش اصول فقه، تفسیر و علوم قرآنی است. در مقاله حاضر این مهم با طرح برجسته‌ترین نظریات پیرامون آن نظیر دیدگاه اخباری‌ها، عالمان اصول مورد تجزیه و تحلیل و واکاوی قرار گرفته، نقدهای مطرح شده درباره نظریه‌ای که به دنبال نفی این حجیت است نوعاً ناظر بـه جمـع‌بنـدی و رسیدن به تفاهم در بین دیدگاههای رقیب است. مسئله‌ای که علاوه بر اختلافی بودن بین عالمان اصولی و اخباری، در میان خود اصولیان نیز محل نظر و تأمل است، از این‌رو اغلب نظریات مطرح شده مبتنی بر قول به تفصیل‌اند، از میـان تحلیل‌ها و نقدهای ارائه شده نظریه میرزاعلی ایروانی از اتقان بیشتری برخوردار است، وی با تأکیـد بـر طبقـه‌بنـدی ظهورات نصوص دینی به تعبدی و غیرتعبدی، راه جدیدی را پیشنهاد نموده است.

کلید واژه‌ها: *حجّیت ظواهر قرآن، دانش اصول فقه، اخباریان، اصولیان.*

۱. استادیار دانشگاه سوره (نویسنده مسئول)؛ s.hamid.malihi@gmail.com
۲. دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی گروه فقه و مبانی حقوق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]

مقدمه

بحث پیرامون حجیت ظهورات قرآن و آیات الهی، از جنبه‌های مختلف مورد توجه صاحب نظران عرصه علوم قرآن و دانش اصول فقه است، قانون کلی و عمومی در محاورات عرفی، شرعی و الهی در حد ذات خود ضابطه و مقرراتی جدای از محاورات و مفاهمات عرفی ندارد، اگر این نحوه حجیت و دلیلیت در گفتمان شریعت و وحی را نپذیریم، در واقع راه به سوی احتجاجات و امتحانات الهی را مسدود نموده‌ایم، از این جهت سخن در باب حجیت ظواهر قرآن پایه و اساس برای بسیاری از قوانین حاکم بر محاورات وحیانی، قانونی و شرعی است. طریقی که انسان مکلف از رهگذر آن به تکالیف و وظایف خود واقف می‌گردد. در این زمینه مباحث و مسائل گوناگون جای بحث و بررسی دارد، و هر یک نیازمند فرصت و مجال مستقل است. این مقاله کوشش می‌کند حجیت ظواهر قرآن و قابلیت آن‌ها برای استناد در استنباط احکام شرعی و اجتهاد را از منظر دانش اصول فقه و نظریات رقیب اخباری‌ها به عنوان دانشی که بیشترین سهم را در این مطالعه دارد مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. نظریه‌ای که رد و قبول آن از سوی موافقان و مخالفان با شرایط و اما و اگرهای فراوان مواجه است. به‌طور قهری مطالعه در این زمینه قبل از هر چیز نظر به پراکندگی مباحث و تنوع آن‌ها نیازمند نظم منطقی و علمی است، به این منظور لازم است در مقدمه چند نکته اساسی را یادآور شویم:

نخست؛ برای انجام مطالعه‌ای فراگیر و نتیجه بخش لازم است، ابتدا مفهوم‌شناسی "حجیت ظهورات قرآنی از منظر عالمان اصول و تفسیر" و در ادامه نظریات چالشی مطرح شده در این زمینه را با استناد به منابع معتبر و دست اول به ترتیب اولویت مورد توجه قرار بدهیم.

دوم؛ مناقشه در زمینه حجیت ظواهر قرآنی از چند جهت دارای اهمیت است، چشم‌پوشی از این جهات در تجزیه و تحلیل مباحث مرتبط ناممکن است. اولاً، بسیاری از عالمان اخباری اساساً این ظواهر را بدون استناد به کلام امام معصوم(ع) حجت نمی‌دانند و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]

برای فهم عرفی و عادی انسان در این زمینه هیچ سهمی قائل نیستند. و قالب و چارچوب اندیشه بشری را بسیار کوچک‌تر از آن می‌دانند که گنجایش فهم استقلالی آن را داشته باشد. با توجه به ادله محکم و مستندی که در این زمینه آورده‌اند، انتقاد از این نظریه نیازمند برهانی قوی‌تر است که به نظر می‌رسد آن‌چه تاکنون ارائه گردید و به عنوان ردیه‌ای بر این نظریه مطرح شده است، نوعاً به صورت کلی و بدون در نظرگرفتن بسیاری از جزئیات‌اند. که در جای خود نیازمند تحقیق جداگانه است، ثانیاً، علمای اصولی برغم وحدت نظر در مخالفت با دیدگاه اخباری و انتقاد ازادله‌ای که از سوی ایشان اقامه گردیده است، در عین حال پیرامون شرایط مطرح شده برای اثبات این حجیت اختلاف نظر دارند. و هر یک از این شرایط و تقریرات نیازمند بحث است، ثالثاً، مشکل دیگری که در این زمینه وجود دارد قرائت عالمان اهل سنت از دیدگاه اصولیان است، ضمن پذیرش این نظریه مرزهای آن با "تفسیر به رأی" را نادیده گرفته و استناد به ظواهر قرآن را با چنین تفسیری یکی پنداشته‌اند که موجب اتخاذ موضع تندتری از جانب عالمان اخباری شده در نتیجه ضمن انتقادات خود این نوع استناد را با تفسیر به رأی و مفاهمه‌های انحصاری و قائم به مبانی فردی و شخصی متفاوت ندیده‌اند، و حال آن‌که با دقت نظر در مبانی اصولی حجیت ظواهر تفاوت و فارق آن با تفاسیر به رأی واضح است.

سوم؛ شاید بتوان گفت، علاوه بر رویکردهای عقلی، عقلائی و عرفی مطرح شده در این زمینه، سبب طرح نظریات مختلف در این باره مبانی موثر در تفاسیر مختلفی باشد که از آیاتی نظیر آیه نوزدهم سوره انعام مطرح گردیده که می‌فرماید: "قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ ـ وَ أُوحِيَ إِلَيَ هذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغ" (قمی، ۱۹۵/۱).

چهارم؛ علاوه بر اختلافات یادشده، تفاوت دیدگاه‌ها در معنای خود "حجیت" و "ظهور" نیازمند تأمل دیگری است، چنان‌که برخی از مفسران معاصر در اشاره به برداشت‌های غیرعلمی از معنای ظاهر قرآن می‌نویسند: "کرامیه، پیروان محمدبن کرام هستند که در قرن سوم می‌زیسته و اعتقاد به جسمیت خداوند داشته‌اند و حشویه گروهی از

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]

معتزله هستند که به ظواهر قرآن چسبیده و قائل به جسمیت خداوند شده‌اند." (مکارم شیرازی، ۱۷۲/۷) این در حالی است، بسیاری از احکام شریعت با استناد به ظواهر قرآن تحصیل می‌گردند، چنان‌که قطب‌الدین راوندی در اشاره به این اصل می‌نویسد: "همه فرائض دوازده‌گانه حج تمتع با استناد به ظواهر قرآن و فحوای آن قابل استفاده‌اند." (راوندی، ۲۶۹/۱) این نحوه برداشت از ظواهر قرآن و استناد به آن در امر استنباط منوط به حل مشکله‌ای است که شیخ حرعاملی در بابی از وسائل‌الشیعه تحت عنوان "عدم جواز استنباط الاحکام النظریه من ظواهر القرآن الابعد معرفة تفسیرها من الائمة علیهم‌السلام" مطرح ساخته. (حرعاملی، ۱۷۶/۲۷) و احادیث متعدد با اساتید گوناگون را در این باب وارد نموده که لازم است طرفداران نظریه حجیت ظهور در مواجهه با این استدلال‌های بسیار متقن و محکم از قاعده و اصولی قوی‌تر بهره جویند.

مفهوم حجیت ظاهر

این اصطلاح ترکیبی از دو واژه "حجیت" و "ظهور" است، حجیت در نزد عالمان اصول با تعاریف متعدد و مختلف مواجه است، شاید بتوان گفت برجسته‌ترین تعریف ارائه شده در این باره از سیدمحمدکاظم یزدی است که می‌گوید: "برخی چنین پنداشته‌اند که مراد از حجیت وجوب و ضرورت عمل طبق یک قانون و ضابطه است، امری که به واسطه‌ان تعیین مصداق می‌گردد، و کیفیت عمل مکلف مشخص می‌گردد، و به بیان دیگر حجیت را مترتب ساختن اثر به مودّای یک دلیل می‌دانند، اما بهتر است حجیت را از احکام وضعیه بدانیم، و معنای طریق قرار گرفتن و راه بودن چیزی به سوی واقعیت است... و می‌توان گفت، حجیت چیزی است که امر دیگری را به اثبات می‌رساند، و فهم غیر علم را به لحاظ اثباتی و نتیجه بخشی جایگزین علم و فهم متقن می‌سازد." (سیدیزدی، ۱۹۱) به طور قهری ثمره و نتیجه این نوع ارزشمندی و جایگزین شدن به جای علم قطعی این است، چیزی که حجت دانسته شده اولاً، قابل استناد یا لازم الاستناد در امر استنباط و اجتهاد باشد، ثانیاً،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]

در صورت اصابت به واقع منجّز و در صورت مخالفت و خطاپذیری معذّر باشد، چنان‌که شهید صدر در اشاره به این معنا می‌گوید: "المراد من الحجیه التنجیز و التعذیر" (شهیدصدر، ۲۵۱/۷) البته برخی نویسندگان معاصر معنای عرفی‌تری از حجیت ارائه نموده گفته‌اند: "مراد از حجیت، معنای منطقی آن نیست که به واسطه آن حداکبر برای حداصغر اثبات می‌گردد و نقش وسطیت را ایفاء می‌کند، بلکه منظور امری است که شارع و حاکم بتواند به واسطه آن نسبت به مخاطب خود احتجاج نماید و بالعکس." (خرازی، ۳۵۳/۴) با بررسی به عمل آمده می‌توان گفت، دقیق‌ترین تعریف ارائه شده از حجیّت تعبیر محقق اصفهانی است که می‌نویسد: "ان المراد من الحجیه تنجّز الواقع عند اصابه الطریق." (اصفهلانی، ۲۶۳/۳) زیرا با رسیدن به واقع به واسطه دلیل و راهنما واقعیت امر تنجّز پیدا می‌کند، البته در اینجا لازم است اشاره‌ای به معنای تنجز داشته باشیم که طبق اصطلاح اصولیان: "استحقاق العقاب عندالمخالفه" است. (کمره‌ای، ۷/۲).

"ظاهر" که اسم فاعل "ظهور" است و جمع آن ظواهر بیشترین استعمال را در مقاطع مختلف مبحث دارد، و به نوعی از اصطلاحات مشترک بین علوم قرآنی و دانش اصول فقه است، معمولاً به سبک مقابله و از طریق تعریف ضد شناسانده می‌شود. چنان‌که برخی از اهل دقت گفته‌اند: "النصّ، ما لم یحتمل غیر ما یفهم منه لغه و الظاهر مادل علی احد محتملاته دلالة راجحه." (نراقی، ۱۹۵/۱) بر این اساس ظاهر به‌رغم اینکه به یکی از محتملات معانی خود دلالت دارد، دلالت آن نسبت به سایر محتملات راجح و برتر نیست، برخلاف مجمل که دلالت آن بر هر یک از محتملات خود علی السویه است، چنان‌که گفته‌اند: "المجمل ما دلالته غیرواضحه او مادل علی احد محتملاته دلاله مساویه." (نراقی، ۲۰۲ و قمی، ۲۶۰)، صاحب مجمع‌البیان، در تفسیر معنای محکم می‌نویسد: "المحکم ما علم المراد بظاهره من غیرقرینه تقترن الیه و لا دلالة تدل علی المراد به لوضوحه نحو قوله تعالی: "إِنَّ اللَّهَ لَا یَظْلِمُ النَّاسَ شَیْ" (یونس، ۴۴؛ طبرسی، ۶۹۹/۲) به تبع ایشان برخی صاحب‌نظران پس از طرح عبارت وی ظاهر را در برابر محکم قرار داده می‌نویسد: "... و الظاهر فعرّفوه بانه اللفظ الدال علی احد محتملاته دلاله راجحة لاینتفی معها الاحتمال." (تنکابنی، ۱۶۰/۱)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]

"ظهور" به عنوان ثمره و حاصل امرظاهربراساس تعریف میرزای شیرازی این‌گونه بیان شده است: "و اما المراد من الظهور، و فاقاًلما یظهر من الهدایة و الضوابط و الموائد، فاعمّ من الوضع... و من الانصراف" (میرزای شیرازی، ۳۱۵/۱ و اصفهانی نجفی، ۱۰۲ و موسوی قزوینی، ۵۰ و کرباسی، ۱۷/۱) و به بیان میرزا ابوالحسن مشکینی در حاشیه کفایه عبارت است از: "أیضا المراد من الظهور قالبیّة اللفظ للمعنی بحیث یکون وجوده وجوده، لا الدلالة التصوّریّة، و هو خطور المعنی فی الذّهن، و هو مباینة لها وجودا أعمّ منها تحقّقا، إذ ربّما یتحقّق الخطور بالنسبة إلی معنی، و لا یکون اللفظ قالبا له، کما فی الاستعمال المجازی بالقرینة." (مشکینی، ۵۲۵/۲) طبق این بیان، ظهور قالب بودن و چارچوب بودن لفظ برای معناست، به گونه‌ای که در فرآیند دلالت ظهوری وجود لفظ با وجود معنا یکی می‌شود، و دلالت تصوریه از معنا که خطور مفهوم در ذهن است، از جمله ظهورات نیست، بلکه این نوع دلالت هم به لحاظ ثبوتی و عینی متفاوت از ظهور است و هم از حیث تحقق اعم از آن می‌باشد، چون در مواردی معنا در ذهن خطور می‌کند اما در عین حال لفظ هیچ‌گونه قالب برای معنا نیست، همان‌گونه که در استعمال مجازی براساس قرینه این چنین است.

بیان محقق خوئی واضح‌ترین شکل تعریف ظهور را ارائه می‌کند که طبق آن ظهور عبارت است از: "الذی یفهمه اهل العرف من اللفظ و المفروض انهم فهموا ذلک المعنی و هم من اهل اللسان." (خوئی، ۲۴۲/۱)

نظریه اخباری‌ها

براساس دیدگاه عالمان اخباری استناد به ظهورات قرآنی یا تفسیر و برداشت از قرآن به خصوص در مواردی که قرار است حکم و قانونی از آن استفاده گردد، بدون استمداد از نص احادیث و روایات ممکن نیست، بنابراین هر آیه‌ای که در تفسیر آن اثر و تصریحی از معصومان(ع) وارد نشده باشد عمل به آن جایز نیست، و فرقی نمی‌کند آیه مورد نظر در زمره نصوص، محکمات، ظواهر یا متشابهات باشد، و از این‌رو اخباری‌ها طبق یک قاعده کلی گفته‌اند: "کلّ القرآن متشابه بالنسبه الینا" (نراقی، ۱۹۵/۱).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]

استدلال‌های عالمان اخباری در دفاع از نظریه عدم امکان استناد به ظواهر قرآن مفصّل و دامنه‌دار است و این امر باعث گردیده تاکنون تحقیق و بررسی جامع که بتوانـد جزئیـات دیدگاه ایشان مورد تجزیه و تحلیل قرار بدهد شکل نگرفته است. بلکـه اغلـب منتقـدان و تحلیل‌گران نظریه عدم حجیت ظهور کوشش نموده‌اند ابتدا تلخیص و جمع‌بندی مورد نظـر خود از این نظریه را ارائه نموده و بعد به نقد و بررسی آن بپردازند. چنان‌که شـیخ مرتـضی انصاری به عنوان یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین منتقدان ایـن دیـدگاه بـا صـرف نظـر از تفصیل و دامنه استدلال‌های ایشان می‌نویسد: "و اقوی ما یتمسّک لهم علی ذلک و جهان." (انصاری، ۱۳۹/۱) نظر وی نخست، به اخبار متواتری اسـت، کـه براسـاس تلقـی عالمـان اخباری مفاد آن‌ها منع از استناد به ظواهر قرآن است. (استرآبادی، ۱۲۸، حرّ عاملی، ۱۸۶ و بحرانی، ۱۱/۱) و دوم، به تقییدات و تخصیصات و نواسخ آیات است، که ظواهر قرآن به واسطه آن‌ها مخصص یا مقید می‌گردند، و با توجه به این مسئله حجیت ظهور آن‌ها از بین می‌رود. (انصاری، ۱۴۹/۱)

برخی از محققین معاصر در تلخیص و بیان ریشه و اساس نگاه اخباری به ظواهر قرآن گفته‌اند:

"وغایة مایمکن ان یذکرمن مصادرالتوقف عن العمـل بظهـوره امـور لاتخلـو کلهـا مـن مناقشه: ۱. ما نسب الی الاخباریین من دعوی التوقف عـن العمـل بهـالامرین: الـف) العلـم الاجمالی بطروّ مخصصات من السنه و مقیدات علی عموماته و مطلقاتـه... ب) مـاورد مـن الاحادیث الناهیه عن تفسیر القرآن بالرأی و هی متواتره بین الفـریقین... ۲. مـا نـسب الـی بعض المحدثین ایضاً، من ان فهم القرآن مختص بمن خوطب بـه...۳. شـبهه التحریـف فـی القرآن بالنقیصه فی بعض آیاته..." (حکیم، ۹۷ـ۱۰۱) بدین ترتیب باستناد به منابع اخباری‌ها از اسباب سه‌گانه‌ای نام می‌برند که هر کدام نیازمند بحث و پاسخ تحلیلی است.

علاوه خود عالمان اخباری نیز کوشش نموده‌اند، به‌رغم پراکندگی مطالـب در دفـاع از نظریه عدم حجیت ظهور دیدگاه خـود را بـه صـورت جمـع‌بنـدی شـده‌ای ارائـه نماینـد. همان‌گونه که ملامحمدامین استرآبادی می‌گوید:

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]

"الصواب عندی مذهب قدمائنا الأخباریّین و طریقتهم، أمّا مذهبهم فهو أنّ کلّ ما تحتاج إلیه الامّة إلی یوم القیامة علیه دلالة قطعیة من قبله تعالی ...، و أنّ کثیرا ممّا جاء به النبیّ صلّی اللّه علیه و آله من الأحکام و ممّا یتعلّق بکتاب اللّه و سنّة نبیّه صلّی اللّه علیه و آله من نسخ و تقیید و تخصیص و تأویل مخزون عند العترة الطاهرة علیهم السّلام و أنّ القرآن فی الأکثر ورد علی وجه التعمیة بالنسبة إلی أذهان الرعیة، و کذلک کثیر من السنن النبویة صلّی اللّه علیه و آله. و أنّه لاسبیل لنا فیما لا نعلمه من الأحکام الشرعیة النظریة أصلیة کانت أو فرعیة إلّا السماع من الصادقین علیهم السّلام. و أنّه لا یجوز استنباط الأحکام النظریة من ظواهر کتاب اللّه و لا من ظواهر السنن النبویة ما لم یعلم أحوالهما من جهة أهل الذکر علیهم السّلام بل یجب التوقّف و الاحتیاط فیهما." (استرآبادی، ۱۰۴)

طبق این دیدگاه، همه احکام و موازین مورد نیاز امّت تا روز قیامت، از جانب خدا به گونه‌ای قطعی بیان گردیده و بسیاری از احکام که توسط نبی‌اکرم اسلام (ص) در اختیار بشر قرار گرفته و نیز آن‌چه متعلق به کتاب خدا و سنت پیامبراسلام(ص) است، از نسخ و تقیید و تخصیص و تأویل نزد عترت طاهرین (ع) محفوظ و مخزون است. و قرآن و سنت نبوی(ص) اگر بدون مراجعه به احادیث صادقین(ع) در نظر گرفته شوند انسان راه به جایی نخواهد برد، و ما در احکام شرعی خود صرفاً مکلف به سماع احادیث هستیم، به ویژه این اجازه را نداریم تا احکام نیازمند به نظر و تأمل را بدون استمداد از اهل ذکر (علیهم‌السلام) از ظواهر قرآن یا ظواهر سنت‌های نبوی(ص) استفاده کنیم، بلکه وظیفه ما در چنین مواردی توقف و احتیاط است.

احادیث مورداستناداخباری‌ها

ملامحمدامین استرآبادی، کتاب الفوائد المدنیه را که مهم‌ترین اثر در دفاع از نظریه عدم حجیت ظواهر است در دوازده باب تدوین نموده، و به مناسبت در هر یک از این ابواب مستند خود را احادیث قرارداده است، عناوین اصلی مطالب وی در این کتاب که اخباریان

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]

پس از وی نیز به مطالب آن استناد جسته‌اند از این قرار است: "نخست؛ ابطال التمسک بالاستنباطات الظنیه، دوم؛ انحصار ما لیس من ضروریات الدین فی السماع عن الصادقین(ع)، سوم؛ تعذّر المجتهد المطلق، چهارم؛ ابطال انقسام المکلف الی المجتهد و المقلد، پنجم؛ حصول الظن علی مذهب العامة دون الخاصه، ششم؛ سدّ الابواب التی فتحها العامة للاستنباطات الظنیه، هفتم؛ وجوب رجوع الناس الی الاحادیث فی القضاء و الافتاء، هشتم؛ جواب الاسئله، نهم؛ تصحیح احادیث کتبنا، دهم؛ بیان الاصطلاحات التی تعم به البلوی، یازدهم؛ اغلاط المعتزلة و الاشاعرة و من وافقهم، دوازدهم؛ اغلاط الفلاسفة و حکماء الاسلام فی علومهم." در ضمن ابواب مختلف به احادیث متعدد استناد می‌جوید که نقد و بررسی آن‌ها نیازمند کتاب مستقلی است، لیکن مع‌الوصف شیخ انصاری، صرفاً بعض احادیث ایشان را مورد توجه قرار داده، احادیثی که نوعاً، بنا به زعم اخباری‌ها هرگونه استناد به ظاهر قرآن را بدعت و تفسیر به رأی می‌دانند، از قبیل:

۱) حدیث نبوی(ص): "من فسّر القرآن برأیه فلیتبوّأ مقعده من النار" (ابن ابی جمهور احسائی، ۱۷۴/۱، فیض کاشانی، ۳۵/۱ و حرّ عاملی، ۲۳/۲۷)

۲) حدیث نبوی(ص): "من فسّر القرآن برأیه فقد افتری علی اللّه الکذب" (حرّعاملی، ۱۴۰/۱۸)

۳) و عن أبی عبداللّه علیه‌السّلام: "من فسّر القرآن بر أیه إن أصاب لم یؤجر، و إن أخطأ سقط أبعد من السماء" (حرّعاملی، ۱۵۱/۱۸)

۴) و عن تفسیر العیاشی، عن أبی عبد اللّه علیه‌السّلام: "قال: من حکم بر أیه بین اثنین فقد کفر، و من فسّر برأیه آیة من کتاب اللّه فقد کفر" (حرّعاملی، ۴۹/۱۸)

ملامحمدامین استرآبادی در تحلیل خود پیرامون این احادیث می‌گوید: "فهم مسائل شرعی، اعم از اصلی و فرعی منحصر در استفاده از احادیث صادقین(ع) است... حال اگر به کلام ایشان تمسّک کنیم، از خطا و انحراف دور خواهیم بود، و اگر به غیر ایشان تمسک و استناد کنیم مصون از اشتباه نیستیم، پرواضح است عصمت از خطا به لحاظ عقلی و شرعی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]

امری مطلوب و پسندیده است، آیا غیر این است، از جهات مختلف بر وجوب عصمت امام(ع) استدلال می‌کنند و بر این عقیده‌اند، اگر عصمت در میان نباشد انسان دچار خطا و انحراف می‌گردد. امری که در نوع خود قبیح و ناپسند است، و اگر در استدلال‌های ما تأمل و درنگ کنید، خواهید دید، چرا دلیل ظنی را، اعم ظنیّ الدلاله وظنیّ المتن در استنباط احکام الهی معتبر نمی‌دانیم." (استرآبادی، ۲۵۸) شیخ حر عاملی با تأکید بر این مبنای نظری می‌افزاید: "فاستدلالنا فی الحقیقه بالکتاب و السنه معاً و لاخلاف فی وجوب العمل بهما." (حرعاملی، ۱۸۷)

انتقادات از نظریه اخباری

انتقاداول

شیخ انصاری در انتقاد خود نسبت به استنادات روائی نظریه عدم حجیت ظواهر قرآن بیش از آن که به سایر ابعاد مسئله بپردازد، کوشش می‌کند نسبت تفسیر به رأی براساس این احادیث را از عالمان اصولی دور نماید و می‌گوید: "اگر در اخبار و احادیث مورد استناد ایشان به درستی و بادقت تأمل گردد، این روایات هیچ‌گونه دلالتی بر منع از استناد به ظواهر آیات قرانی ندارند، زیرا اگر قرار بر این است ابتدا بررسی و فحص لازم درباره ناسخ، مخصص و مقید این آیات را به عمل آوریم و بعد به ظواهر آنها استناد کنیم، به‌طور طبیعی با رسیدن به این نتیجه که خلاف ظاهر آیات اراده نگردیده است، چگونه می‌توان مانع چنین استنادی شد؟ اولاً، چنین امری اساساً تفسیر قرآن نیست، زیرا فهم متعارف از فرمان الهی و دستور شریعت نیازمند تفسیر نیست. چون تفسیر کشف القناع است و آنچه در این موارد می‌بینیم فهم است، نه کشف، ثانیاً، اگر حمل لفظ بر معنای آن را تفسیر هم بدانیم، چنین امری تفسیر به رأی نیست. چون منظور از تفسیر به (که در لسان احادیث به آن اشاره شده و تحریم گردیده) تفسیر بر اساس استحسانات ظنّی مبتنی بر یافته‌های عقلی شخصی است و ثمره آن برداشت نامعقول از متن است، و حال آن‌که خطاب روایات شامل محاورات و مفاهمات عرفی و حمل ظواهر کتاب بر معانی لغوی و عرفی آن‌ها نیست." (انصاری، ۱۴۳/۱)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]

انتقاد دوم

براساس جمع‌بندی و تحلیل محمدرضا مظفر در اصول الفقه، بـرای نقـد جـامع نظریـه اخباری‌ها لازم است به نکاتی توجه نمود: نخست؛ کسانی که معتقد بـه حجیـت ظواهرنـد، مراد ایشان حجیت همه آن چیزی نیست که در قرآن آمده است. به‌طور قهری نظر ایشان به تفسیر متشابهات نیست... دوم؛ منظور ایشان از عمل به محکمات، اقدام بدون فحص کامـل و بررسی درباره اموری نیست که ممکن است در قالب ناسخ، مخصص و مقید صارف از ظهـور باشند، سوم؛ برای تفسیر و برداشت از قرآن مقدمات و معارفی لازم است، بـدون اسـتمداد از آن رسیدن به مفاهیم مورد نظر ظواهر ممتنع است، بلکه شأن و منزلت همه کتبی کـه معـارف عالیه و امور علمی را در برگرفته‌اند چنین چیزی را اقتضا می‌کند، از این‌رو بـرای هـر علمـی عالم خاص به آن لازم است تا مقاصد و مفاهیم آن را به خوبی فهم نماید، طبیعی اسـت نیـاز به مقدمات و معارف پیشین موجب آن نیست که ظواهر را فاقد حجیت بدانیم، بنابراین وقتـی گفته می‌شود ظواهر قرآن حجت است منظور این نیست کـه افـراد بـدون اطـلاع از مبـانی و منطق فهم قرآن مطالبی را برداشت کنند و ما نیز آن‌ها حجت بدانیم. (مظفر، ۱۱۵/۳)

نظریه اهل اجتهاد در مورد استناد به ظواهر قرآن

عالمان اصولی و اهل اجتهاد از ظواهر آیات قرآن بر این عقیده‌اند، اگر آیه‌ای از آیـات قرآن در زمره نصوص، محکمات یا ظواهر باشد، و جزء متشابهات نباشد، می‌تـوان بـدون استناد به حدیث و روایت به مضمون آن عمل نمود، زیرا هر انسان مطلع از زبان عرب کـه توان فهم ظواهرآیات را داشته باشد، این امکان را خواهد داشت که پیام آیـات را دریافـت نماید، و به مقتضای آن‌ها عمل کند. و در صورتی که آیه‌ای از متشابهات باشد با استناد بـه شاهد و دلیل عقل و نقل عمل به مضمون آن نیز ممکن می‌گردد.

سخن از حجیت ظواهر در دانش اصول فقه، مباحث گوناگون را به خود اختـصاص داده اسـت، چنان‌که در ادامه اشاره شده است برای اثبات این نظریه از ادله مختلف بهره جسته‌اند، در عـین حـال

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]

زیربنای عقلائی و توجیه عرفی این استدلال‌ها بازگشت به این اصل اساسی دارد، بشر در طول زندگی خود و از زمانی که آغاز به سخن گفتن و فهمیدن کلمات و محاورات نموده، مبنای انتقال مفاهیم و درک متقابل از آن‌ها ظواهر کلام وارده‌های ابراز شده در قالب مفاهمات عرفی قرارداده، و به آثار و لوازم این روش ملتزم گشته، به گونه‌ای که اگر بخواهیم این رویه را نادیده بگیریم، راه متعارف و شناخته شده‌ای برای انتقال مفاهیم وارده‌ها باقی نخواهد ماند.

تردیدی نیست اگر به آغاز عصر نبوّت برگردیم، دوره‌ی حیات نبی اکرم اسلام(ص) ابتدای شروع زندگی انسان و مطلع سخن گفتن وی نیست، تاگفته شود آن حضرت(ص) در مقام تخاطب و مفاهمه‌ی خود روش و شیوه‌ای غیر آن‌چه دیگران در انتقال مطالب داشته‌اند را در پیش گرفته است. تا از این رهگذر بخواهیم به این اصل برسیم که ظهورات کلام ایشان بدون استمداد از سایر احادیث حجیت ندارند. طبعاً، اگر غیر این بود کیفیت بیان آن حضرت(ص) نیز نقطه عطف دیگری در تاریخ محاورات انسان‌ها می‌شد و بر اساس آن چه در تاریخ آمده است ثبت می‌گردید. و حال آن که قرآن به زبان عربی نازل گشته و آن چه روش و قاعده فهم عرفی بوده در عرضه و بیان مقاصدان به کار بسته شده، و کلام الهی نیز پیوسته ظاهری داشته و دارد، امری که مردم زندگی متعارف خود را براساس آن نظم بخشیده و تعریف نموده‌اند، اما از آنجا هر مفاهمه و مکالمه‌ای ممکن است محفوف به قرائن و شواهد متصل یا منفصل باشد، درباره کلام الهی نیز قبل از آن‌که بخواهیم به اصل ظهور اعتماد کنیم، و براساس آن عمل نمائیم، ناگزیر باید فحص و بررسی لازم درباره قرینه‌های احتمالی، مخصص، مقید و مبین‌های آن به عمل آوریم، اگر به‌رغم کوشش در این زمینه با رعایت شرایط با مخصص، مقید، ناسخ یا هر مانع دیگری مواجه نشدیم، به‌طور طبیعی عموم و اطلاق آیات قرآن و ظواهر آنها مبنای عمل خواهد بود. (حکیم، ۹۷)

نظریه میرزای قمی و نقد آن

صاحب قوانین الاصول در خاتمه مسئله حجیت کتاب و ابتدای مسئله اجتهاد و تقلید،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]

نظریه‌ای را مطرح نموده است که براساس آن، بین آن دسته از مخاطبان که مقصود به افهام‌اند و دسته‌ای دیگر که مقصود نیستند فرق و تفاوت وجود دارد، با این توضیح، ظواهر نسبت به گروه اول از باب ظن خاص حجت است، ـ اعم از اینکه این دسته مخاطب شفاهی باشند، یا از طریق خواندن کتاب و نامه و دستور از حکم مورد نظر مطلع گردند ـ در مقابل کسانی که مقصود به افهام نیستند، مانند امثال ما که نسبت به اخباری از ائمه(ع) که در پاسخ به سوالاتی وارد گردیده‌اند، چنین موقعیتی داریم، و هم‌چنین نسبت به آیات قرآن، ظهور لفظی آن‌ها صرفاً از باب حجیت ظن مطلق در حالت انسداد باب علم برای ما حجت است، نه از باب ظن خاص. وی در توضیح فرق میان این دو گروه می‌نویسد:

"از تحقیق به عمل آمده استفاده می‌گردد، حجیت ظواهر قرآن بر چند وجه است، نخست؛ نسبت به بعض احوال حجیت آن معلوم است، مانند حال مخاطبین مستقیم، بالمشافهه مورد خطاب‌اند. دوم؛ در بعض احوال حجیت ظواهر معلوم نیست، مظنون الحجیه است... در صورت دوم، حجیت ظواهر به وقت انسداد باب علم به شرعی و انحصار امر در رجوع به ظن ثابت می‌گردد. و از آنجا که خود اخبار از باب خطابات شفاهیه‌اند، دلالت آن‌ها بر حجیت کتاب معلوم است." (میرزای قمی، ۴۰۳) طبق این نظر حجیت خطابات و ظواهر قرآنیه نسبت به ما از باب حجیت ظن مطلق ـ که اعتبار آن منوط به باب علم و علمی است ـ حجیت دارد، نه از باب ظن خاص. بنابراین، ظواهر الفاظ و جملات به مطلق نسبت به کسانی که مقصود به افهام‌اند از باب ظن خاص حجت‌اند. اعم از اینکه مخاطب شفهی کلام متکلم باشند، یا مخاطب شفاهی نباشند و از طریق کتاب یا نوشته از فرمان و دستور مطلع گردند. اما کسانی که مقصود به افهام نیستند، حجیت ظواهر نسبت به ایشان از باب حجیت ظن مطلق است، ظنی که اعتبار آن منوط به انسداد باب علم است.

همچنان که مقصود به در موارد سوال محدثین از ائمه (ع) ما نیستیم، و از آنجا که خطابات قرآنیه متوجه کسانی است که در عصرپیامبر(ص) بودند و کتاب الهی مانند کتاب‌های بشری نیست که هر که خواست بتواند مقصود شارع را از آن بفهمد، لذا حجیت این خطابات نسبت به ما از باب حجیت ظن مطلق است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]

شیخ انصاری در مقام نقد این دیدگاه، اساس تفصیل میرزای قمی را غیرعلمی و بدون مستند دانسته و می‌نویسد: "انصاف در مطلب این است، برای عمل به ظهور لفظی فرقی بین" من قصدافهامه و من لم یقصدافهامه وجود ندارد. "و طبق ادله و اصول حجیت ظواهر در هر دو مورد ثابت است." (انصاری، ۱۲۸/۱) وی برای اثبات این مدعا به چند دلیل استناد نموده است:

دلیل اول؛ مقتضای اصل عقلائی و سیره عقلائیه این است، احتمالاتی که محقق قمی مطرح نموده و براساس آن‌ها قائل به تفاوت بین مقصودین به افهام و غیر ایشان شده است، قابل اعتنای برای عرف نیستند، لذا این تفاوت مبنای عرفی و عقلائی ندارد.

دلیل دوم؛ اجماع فقها و صاحب‌نظران حوزه استنباط بر این است، بی‌درنگ و بدون قید و شرط به روایات واصله مشتمل بر احکام شرعی عمل نمایند.

دلیل سوم؛ سیره اصحاب ائمه(ع) به گونه‌ای است که به ظاهر روایات اعتماد می‌نماید و به احتمال خلاف ظاهر در آن‌ها ترتیب اثر نمی‌دهند.

دلیل چهارم؛ برخی از احادیث روش تشخیص صحت روایت را عرضه آن به قرآن دانسته‌اند، و در این زمینه هیچ فارق و تمایزی بین مشافهین و غیر ایشان قائل نشده‌اند. (همان و وحیدخراسانی، ۲۴/۶)

نظریه شیخ انصاری وشاگردان مکتب وی

مبنای شیخ انصاری این است، طریق و روش شارع در محاورات و خطابات شرعیه و راهی که برای فهماندن مراد و انتقال اراده تشریعی اتخاذ نموده، یک روش اختراعی منحصر به فرد نیست. وی معتقد است این اصل قابل انکار نیست. اما در عین حجیت ظواهر کتاب الهی مورد بحث است. و مرجع و اساس این اشکال ناشی از آن است که برخی پنداشته استفاده مستقل مفاهیم از قرآن امری ناممکن است. (انصاری، ۵۵/۱)

آخوند خراسانی در تکمیل و تمیم این دیدگاه می‌گوید: "ظاهر این است، ظواهر قرآن مختص "من قصد افهامهم" نیستند، لذا شخص مکلف به واسطه اینکه مقصود به افهام نبوده

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]

این اجازه را ندارد نسبت به عام و خاص کلام شارع عذری بیاورد، و در مقـام احتجـاج و مخاصمه مبنای داوری ظواهر کلام است. و شاهد بر این مدعا صحت شهادت بـر اقـرار از سوی کسانی است که آن را شنیده‌اند، اگر چه قصد اقرارکننده عدم افهام شـاهد باشـد، بـه طریق اولی مواردی که درصدد افهام نباشد، شهادت وی پذیرفته است." (آخوند خراسانی، ۲۸۱) به تبع ایشان شاگردان برجسته این مکتب نظیر میرزای نائینی و شـیخ محمدحـسین اصفهانی و آقا رضا همدانی، نظریات خود پیرامون حجیت ظواهر قرآن را در چارچوب نقد و بررسی دیدگاه میرزای قمی و استدلال نسبت به عمومیت خطاب بیان نموده‌اند، رویکـرد غالب ایشان متوجه پاسـخ بـه ایـن نظریـه اسـت. (میـرزای نـائینی، ۱۵۷/۳ و اصـفهانی، ۱۷۲/۳) و بنا به بررسی به عمل آمده تنها روش ابـداعی از آن میرزاعلـی ایروانـی اسـت، نظریه‌ای جدید در این زمینه پدید آورده است.

نظریه میرزای علی ایروانی

وی معتقد است، حجیت ظواهر در حـد ذات خـود دلیـل خـاص دارد، از ایـن جهـت تردیدی در این باره نیست، سوالی که باید به آن جواب داده شود، این‌که آیا ظهورات اعـم از قرآنی و غیر آن به‌واسطه ظنّ قابل اثبات‌اند یا خیر؟ وی در پاسخ نظریه‌ای جدید مطرح نموده و در توضیح و بیان آن می‌گوید:

"ظهور بر دو گونه است، نخست؛ ظهور وضعی اولی، دوم؛ ظهور مجازی ثانوی حاصل از قرینه صارفه‌ی از معنای حقیقی... اعتبار ظهور در هر دو ساحت بـه نحـو ایجـاب کلـی محل تردید نیست و ادله عرفی و عقلائی مثبت این معنا فراوان است. و قوی‌ترین شاهد بر این مدعا این است، شارع در بیان مقاصد خود، صرفاً به نص و قول صریح اکتفا ننمـوده و بیش از آن از بیان براساس ظواهر استفاده می‌نماید. و این خود گواه بر تقریر و قبول بنـای عقلا و قبول طریق ایشان در بیان مقاصد خود است." (ایروانی، ۲۴۸)

وی با تأکید بر این مبنا در استدلال به حجیت ظواهر قرآن و نقد دیدگاه عالمـان اخبـاری

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]

می‌افزاید: "اولاً؛ تردیدی نیست، بطون قرآن و اسرار آن از دسترس فهم اذهان عادی انسان‌ها به دور است، اما این چنین نیست همه مفاهیم و ظواهر قرآن قابل فهم برای غیر معصومین(ع) نباشد، چگونه می‌توان این ادعا را درباره همه قرآن مطرح ساخت، و حال آن‌که نزول آن بر سبیل اعجاز است، و اگر امکان شناخت قرآن را نفی کنیم، ناخواسته وجه اعجاز آن را نادیده گرفته‌ایم. ثانیاً؛ درست است قرآن دربرگیرنده رموز و اسرار است، و مواردی چون حروف مقطعه این چنین‌اند، لیکن همه قرآن رمز و راز پنهان از فهم انسان‌ها نیست، در غیر این صورت چه کسی می‌توانست از بلاغت قرآن مطلع گردد." (همانجا)

به نظر می‌رسد، مهم‌ترین نکته‌ای که ایشان به آن اشاره نموده تأکید این اصل است:

"ظهور عبارات شرعیه، نسبت به کسانی که مقصود به افهام‌اند، نوعی حجیت تعبدیه دارد (به نحوی که مناقشه در آن‌ها مکابره در برابر امر بدیهی است) و شمول آن‌ها نسبت به غیرمقصودین، با توجه به این‌که مناط خطاب افاده علم و تحصیل اطمینان به مراد و مقصد است، ثابت است. همان‌گونه که تبعیّت از ظواهر دیگر خطابات و اعتبار آن‌ها نیز طبق همین مناط پذیرفته شده است." (همانجا)

نتایج مقاله

از بررسی دیدگاه‌های مطرح پیرامون حجیت ظواهر قرآن در دانش اصول فقه، به این نتیجه می‌رسیم، گذشته از ابعاد ناشناخته این مبحث که مطالعه در زمینه آن نیازمند تحقیقات دامنه‌داری است، آن‌چه از سوی عالمان اصول فقه صورت گرفته بیش از آنکه، جهات اثباتی و ایجابی حجیت ظواهر قرآن را در نظر بگیرد، متوجه پاسخ و نقد و بررسی دو دیدگاه چالشی مطرح شده از ناحیه عالمان اخباری و میرزاابوالقاسم قمی است، لذا تنقیح مبانی و تعمق در جهات این مسئله، با توجه به این‌که با علوم دیگری چون تفسیر، علوم قرآن، حدیث، ادبیات و علم کلام مرتبط است بی‌نیاز از بازاندیشی دیگر نیست. اما نظریه اخباری‌ها که در تالیفات متاخرین و معاصرین در مطلع دیدگاه‌های مطرح شده قرار

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]

گرفته از جهات متعدد محل نقد مورد تأمل است، در عین پیرامون این نظریه ناگفته‌های فراوانی وجود دارد، بحث درباره آن‌ها خارج از قلمرو مباحث اصولی است، به ویژه این‌که ملاحظه شد، منتقدین این نظر پیوسته کوشش نموده‌اند تا پیش از اظهارنظر و بیان انتقادات به تلخیص و تهذیب استدلال‌های ایشان بپردازند. نظریه میرزای قمی، با طرح تفصیل بین مقصودین به افهام و غیرمقصودین، مسیر بحث عالمان اصولی پس از خود را تغییر داده و موجب گردیده، غالب انتقادات و تأملات مطرح شده بیش از آن‌که ناظر به دیدگاه اخباری باشد، به نقد این نظریه بپردازند، لیکن چنان‌که ملاحظه گردید، در بین نقدهای مطرح با برهان قاطع و استدلال متقن علمی مواجه نشدیم، اظهارنظر شیخ انصاری و شاگردان مکتب اصولی وی بیشتر ناظر به نقدهای عرفی و احیاناً خطابی از دو دیدگاه رقیب یعنی اخباری‌ها و میرزای قمی است، لیکن برخی صاحب‌نظران در حوزه این مکتب مانند میرزاعلی ایروانی نظریه‌ای استدلالی و مبتنی بر مبنای علمی ارائه نموده‌اند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. آخوندخراسانی، ملامحمدکاظم، موسسه آل البیت علیهم السلام، قم، ط اول، ۱۴۰۹ق.

۳. استرآبادی، محمدامین، الفوائد المدنیه، انتشارات اسلامی، قم، ط اول، ۱۴۲۴ق.

۴. انصاری، مرتضی بن محمدامین، فرائدالاصول، انتشارات اسلامی، قم، ط نهم، ۱۴۲۸ق.

۵. اصفهانی نجفی، شیخ محمدتقی، هدایة المسترشدین، موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ط اول، بی‌تا.

۶. اصفهانی، محمدحسین، نهایه الدرایه فی شرح الکفایه، موسسه آل البیت علیهم السلام، بیروت، ط دوم، ۱۴۲۹ق.

۷. ابن ابی جمهور احسائی، محمدبن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیه، انتشارات سیدالشهداء، قم، ط اول، ۱۴۰۵ق.

۸. ایروانی، میرزاعلی، الاصول فی علم الاصول، بوستان کتاب، قم، ط اول، ۱۴۲۲ق.

۹. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد، الدرر النجفیه من الملتقتات الیوسفیه، دار المصطفی لاحیاءالتراث، بیـروت، ط اول، ۱۴۲۳ق.

۱۰. تهرانی، هادی بن محمدامین، محجه العلماء، بی‌نا، تهران، ط اول، ۱۳۲۰ش.

۱۱. تنکابنی، محمد، ایضاح الفرائد، مطبعه الاسلامیه (اخوان کتابچی)، تهران، ط اول، ۱۳۸۵ق.

۱۲. حرعاملی، محمدبن حسن، الفوائدالطوسیه، انتشارات داوری، قم، ط دوم، ۱۳۸۱ش.

۱۳. همو، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، موسسه آل‌البیت علیهم السلام، قم، ط اول، ۱۴۰۹ق.

۱۴. شهیدصدر، سیدمحمدباقر، دروس فی علم الاصول، داراحیاءالتراث العربی، بیروت، ط اول، ۱۴۲۵ق.

۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، ناصرخسرو، تهران، ط دوم، ۱۳۷۲ش.

۱۶. خرازی، سیدمحسن، عمده الاصول، موسسه انتشاراتی در راه حق، قم، ط اول، ۱۴۲۲ق.

۱۷. خوئی، سیدابوالقاسم، مصباح الاصول، مکتبه الداوری، قم، ط اول، ۱۴۱۷ق.

۱۸. حکیم، سیدمحمدتقی، الاصول العامه للفقه المقارن، المجمع العالمی لاهالبیت علیهم السلام، قم، ط دوم، ۱۹۹۷م.

۱۹. قطب راوندی، سعیدبن هبه الله، فقه القرآن، کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی، قم، ط دوم، ۱۴۰۵ق.

۲۰. قمی، محمدحسین بن محمد، توضیح القوانین، دارلطباعه میرزاعباس باسمچی، تهران، ط اول، ۱۳۰۳ق.

۲۱. فیض کاشانی، محمدمحسن بن مرتضی، تفسیرالصافی، مکتبه الصدر، تهران، ط دوم، ۱۴۱۵ق.

۲۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، دارالکتاب، قم، ط سوم، ۱۴۰۴ ق.

۲۳. کرباسی، محمدابراهیم بن محمدحسن، اشارات الاصول، بی‌نا، قم، ط اول، بی‌تا.

۲۴. کمره‌ای، محمدباقر، اصول الفوائد الغرویه فی مسائل علم اصول الفقه الاسلامی، مطبعه فردوسی، تهران، ط اول، بی‌تا.

۲۵. مشکینی، ابوالحسن، الحاشیه علی کفایه الاصول،لقمان،قم،ط اول، ۱۴۱۳ق.

۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ط نهم، ۱۳۸۶ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]

۲۷. موسوی قزوینی، سیدابراهیم، ضوابط الاصول، بی‌نا، قم، ط اول، ۱۳۷۱ق.
۲۸. میرزای شیرازی، محمدحسن بن محمود، تقریرات آیت الله المجدّد الشیرازی، موسسه آل‌البیت علیهم السلام، قم، ط اول، ۱۴۰۹ق.
۲۹. نائینی، محمدحسین، أجود التقریرات (تقریرات خویی، سیدابوالقاسم)، مطبعه العرفان، قم، ط اول، ۱۳۵۲ش.
۳۰. نراقی، محمدمهدی بن ابی ذر، انیس المجتهدین فی علم الاصول،بوستان کتاب،قم،ط اول، ۱۳۸۸ش.
۳۱. همو، تجریدالاصول،انتشارات سیدمرتضی،قم،ط اول، ۱۳۸۴ش.
۳۲. وحیدخراسانی، حسین، تحقیق الاصول (تقریر: میلانی، سیدعلی حسینی) انتشارات الحقائق، قم، ط اول، ۱۴۳۵ق.
۳۳. یزدی، سیدمحمدکاظم طباطبائی، التعارض، مؤسسه انتشارات مدین، قم، ط اول، ۱۴۲۶ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.8.2]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-26]